

یادداشت

منشا قدرت فراقانونی صاحب معدن مس سونگون کجاست؟

صادق کار



این حداقل خواست کارگران است که بخواهند به اندازه کارگران رسمی و مس سرچشمه به آنان دستمزد داده شود و از امنیت شغلی برخوردار شوند که کارفرما نتواند هر وقت طلب حق کردند، آنان را دسته دسته اخراج و یا روانه زندان کند. به این مناسبات ضد انسانی که بی شباهت به مناسبات برده داری نیست باید پایان داده شود. کارگری که نتواند حق و حقوق خود را در این نظم جهنمی به دست آورد لاجرم بفکر بر هم زدن اساس آن و استقرار مناسباتی می افتد که حق و حقوق و امنیت اش را بتواند تامین کند.

اعتصاب پنج روزه کارگران زحمتکش و سخت کوش و کم مزد معدن مس سونگون ورزقان در اثر سرکوب اعتصاب و دادن قول مساعد رسیدگی به خواسته های کارگران آن مدتی است که پایان یافته است و کارگران به امید رسیدگی به خواسته هایشان به سر کارشان برگشته اند. اما این بار نیز کارفرما با کمک نهادهای امنیتی بجای رسیدگی به مطالبات کارگران که قول اش را داده بود مشغول اخراج و به زندان فرستادن کارگران است.

بر اساس گزارش منابع مستقل کارگری کارفرما از ورود ۳۰ نفر از کارگران قدیمی معدن که تا ۲۵ سال سابقه کار در معدن را دارند جلوگیری نموده و ۱۵ نفر از کارگران را با کمک نهادهای امنیتی به زندان اهر فرستاده است. در این میان خبری از نهادهای قانونی همچون وزارت کار که قانونا وظیفه نظارت بر اجرای



قانون کار را دارد برای رسیدگی به این وقایع نیست. نهادهای امنیتی نیز هر وقت کارفرما لب تر کرده در خدمت گزاری ذره‌ای دریغ نکرده و با تمام تجهیزات فرمان متاع کارفرما را مطلوب نظر وی عملی کرده‌اند. این در حالی است که کارگران هیچ خطایی که طبق قوانین موجود خلاف باشد انجام نداده‌اند. اعتصاب در هیچ جای قانون کار نیمه بند موجود ممنوع اعلام نشده و ماده‌ای در قانون وجود ندارد که در آن قیده شده باشد کارگر هر بلایی کارفرما بر سرش آورد باید تحمل کند و دم بر نیاورد. خواسته‌های کارگران هم کاملاً قانونی و اعتراض آنان به رعایت نکردن قوانین موجود توسط کارفرما بوده است. پیش از آنکه به اعتصاب برای گرفتن حق سان اقدام کنند سعی کرده‌اند با مراجعه به کارفرما و گفتگو حق خود را بگیرند که بی نتیجه بوده است. مقامات دولتی و قضایی هم لابد از برخورد کارفرما با کارگران و سبب آن مطلع هستند. اما سکوت کرده و میدان را برای صاحب معدن خالی گذاشته‌اند که چون یک دولت خود مختار هر طور که دلش خواست با کارگر رفتار کند، قوانین را زیر پا بگذارد و روزگار کارگر را سیاه کند. دو خواسته اصلی کارگران که سالها برایش مبارزه کرده‌اند ولی بواسطه نفوذ کارفرما در دستگاه‌های اجرایی و پشت گرمی وی به نهاد های حکومتی نتوانسته‌اند آنرا عملی نمایند، پرداخت دستمزد به اندازه دستمزد کارگران رسمی و انعقاد قرار دادهای یک ساله بجای موقت هستند. کدام یک از این دو خواسته خلاف قانون بوده که معترضین را بخاطر آنها از کار اخراج و رهسپار زندان کرده‌اند. صاحب این معدن کیست که این همه قدرت دارد؟ این قدرت را از کجا و که به او داده است که همانند دادستان می تواند فرمان بگیر و به بند بدهد و کسی جلوی اعمال او را نتواند و نخواهد بگیرد؟ در حکومت عدل علی سید علی کسی نیست که جلوی این همه ظلم و بیداد غارتگران منابع طبیعی کشور را را بگیرد؟ این معدن پر سود و رونق میراث پدری او نیست. معلوم است کسی که این همه نفوذ و قدرت در حکومت دارد این معدن را نمی توانسته بدون استفاده از این نفوذ و به بهایی نازل از آن خود کرده باشد. معادن و منابع طبیعی از آن مردم این سر زمین است و اساساً نمی بایست به اشخاص واگذار شوند تا چه برسد به اینکه به کسانی واگذار شود که آن را به وسیله‌ای برای تشدید استثمار نیروی کار که بخشی از مردم صاحب این ثروت طبیعی هستند مورد سوء استفاده قرار دهد. این حداقل خواست کارگران است که بخواهند به اندازه کارگران رسمی و مس سرچشمه به آنان دستمزد داده شود و از امنیت شغلی برخوردار شوند که کارفرما نتواند هر وقت طلب حق کردند، آنان را دسته دسته اخراج و یا روانه زندان کند. به این مناسبات ضد انسانی که بی شباهت به مناسبات برده داری نیست باید پایان داده شود. کارگری که نتواند حق و حقوق خود را در این نظم جهنمی به دست آورد لاجرم بفکر بر هم زدن اساس آن و استقرار مناسباتی می افتد که حق و حقوق و امنیت اش را بتواند تامین کند.

از مبارزه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکاهاى مستقل حمایت کنیم!

موانع تشکیل و فعالیت سندیکاها و تشکلهای کارگری باید از میان برداشته شوند!
قراردادهای موقت و پیمانی در کارهای مستمر باید لغو و امنیت شغلی کارگران باید با انعقاد قراردادهای مستقیم تضمین شود!

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش دوم

"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجا نهانی

هیو استورجس



تضمین اشتغال" را می توان یک شکل "وارونه" از تضمین درآمد پایه در نظر گرفت. این هر دو "پاسخی به کمبود مزمن شغل در اقتصادهای مدرن و فقر و ناامنی ناشی از آن اند، اما به دو شیوه خلاف هم. تضمین درآمد پایه با تأمین مستقیم درآمد، فقدان درآمد ناشی از عدم اشتغال یا اشتغال ناامن را برطرف می کند. تضمین اشتغال نیز با ایجاد مستقیم شغل به همین مشکل پاسخ می دهد.

مقدمه - ادامه

حق تضمین شده برای اشتغال بامضمون حداقل از دهه ۱۹۳۰ در محافل دانشگاهی و سیاسی مطرح بوده است. این حق در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل تصریح شده و توسط دکتر مارتین لوتر کینگ جونیور نیز بر آن تأکید ویژه شده است. گروه های مختلفی از مدافعان "تضمین اشتغال" * - از جمله مدافعان توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، فعالان عدالت نژادی در ارتباط با جنبش "حیات سیاهان مهم است"، جنبش برای زندگی و فعالان محیط زیست مانند نامزد ریاست (Degrowth) "سیاهان، فعالان "بازگشت از رشد جمهوری حزب سبز ایالات متحده، جیل استاین به عنوان بخشی از "موافقت جدید سبز" - این ایده را تبلیغ می کرده اند. طرفداران آن ادعا می کنند که "تضمین اشتغال" راه حلی برای نرخ



در جهان پیشرفته است، فقر را کاهش (underemployment) بالای بیکاری و اشتغال ناقص می دهد و به خودی خود منبع مهمی برای تولید ارزش خواهد بود. آنها همچنین بر این نظر اند که برنامه "تضمین اشتغال"، به عنوان مکانیسمی برای تثبیت اقتصاد کلان، بهتر از اهرم های سیاست پولی و مالی موجود عمل می کند، تشکیل سرمایه انسانی را ارتقاء و کارایی بازار کار را بهبود می بخشد. منتقدان آن استدلال می کنند که "تضمین اشتغال" با موانع عملی و سیاسی قابل توجهی برای استخدام تعداد زیادی از کارگران با مهارت های بسیار ناهمسان و چشم انداز شغلی غیرقابل پیش بینی مواجه خواهد شد، خاصه با توجه به این که این برنامه برای مشاغل منظر می شود که باید برای همه قابل دسترس (بنابراین به مهارت های تخصصی کمی نیاز دارند) و در عین حال از نظر اجتماعی نیز مفید باشند.

تضمین اشتغال را می توان یک شکل "وارونه" از تضمین درآمد پایه در نظر گرفت. این هر دو پاسخی به کمبود مزمن شغل در اقتصادهای مدرن و فقر و ناامنی ناشی از آن اند، اما به دو شیوه خلاف هم. تضمین درآمد پایه با تأمین مستقیم درآمد، فقدان درآمد ناشی از عدم اشتغال یا اشتغال ناامن را برطرف می کند. تضمین اشتغال نیز با ایجاد مستقیم شغل به همین مشکل پاسخ می دهد. از این زاویه "تضمین اشتغال" می تواند به عنوان یک شکل جایگزین و فعالتر، یعنی مستلزم کار، به جای درآمد پایه تلقی شود، یا حتی به عنوان یک نظریه بدیل برای تأمین درآمد، به این اعتبار که درآمد به تنهایی به آسیب های فردی و اجتماعی ناشی از فقر پاسخ نمی دهد.

بحث بین طرفداران دو طرح – مثلاً بین گای استندینگ به عنوان مدافع درآمد پایه و چرنووا به عنوان مدافع "تضمین اشتغال" - بر این دو نکته متمرکز است: 1- آیا مشاغل باید وسیله یک سیاست اجتماعی باشند یا هدف آن، و 2- اثرات اقتصادی هر یک از این دو رویکرد چیستند.

این نوشته "تضمین اشتغال" را در وجوه هزینه، امکان پایداری اقتصادی، تحقق پذیری اداری و واکنش سیاسی بررسی می کند. هدف آن این است که، در عین حال که نسبت به مستندات و عبارات "تضمین اشتغال" موضع انتقادی دارد، این ایده را حتی الامکان بر اساس مستندات و عبارات خود آن قضاوت کند.

این مقاله شامل چهار فصل است و یک نتیجه گیری. فصل 1 مروری است بر تاریخچه برنامه های تضمین اشتغال، پارادایم های متفاوت سیاست بیکاری و زمینه تاریخی و فکری که این برنامه ها در آن ارائه شده اند. به عبارتی دیگر این فصل خلاصه دعاوی طرفداران "تضمین اشتغال" و انتقادات رایج مخالفان آن است.

فصل 2 به بررسی چهار برنامه مشخص که با "تضمین اشتغال" مشابه اند، اختصاص دارد: برنامه مدیریت کارگستری در ایالات متحده، طرح "نان آور" در آرژانتین، برنامه اشتغال عمومی گسترده در آفریقای جنوبی و برنامه ملی تضمین اشتغال روستایی در هند. این برنامه ها به این دلیل انتخاب شده اند که اولاً بزرگ ابعاد اند و ثانیاً طرفداران "تضمین اشتغال" به آنها به عنوان نمونه های عملی استناد می کنند، که کارایی "تضمین اشتغال" را نشان می دهند. این فصل نشان می دهد که این برنامه ها اغلب تأثیرات مهمی در فقرزدایی دارند و موجب افزایش مشارکت در کارهای سودمند اند، اما از برنامه ریزی ضعیف، عدم تطابق مهارت ها و تمایلی برای کاستن از کارگران دائمی بخش دولتی رنج می برند.



فصل 3 به بررسی دقیق پایداری اقتصادی "تضمین اشتغال" می پردازد. این فصل شامل تحلیل هزینه احتمالی برنامه های "تضمین اشتغال" و تأثیر آن بر ساختار دستمزدها در بخش خصوصی است. این فصل همچنین به اختصار، اما با نگاهی انتقادی، به مکتب اقتصادی که بسیاری از طرفداران امروزی "تضمین" (Modern Monetary Theory) "نظریه پولی مدرن اشتغال" از آن بیرون آمده اند، می پردازد و نشان می دهد که مفاهیم این نظریه با بلاغت یا حتی لغازی رادیکال آن مطابقت ندارد؛ با این تصریح که اگرچه نظریه پولی مدرن به دلیل نقشی که در بسیاری از استدلالهای حامیان "تضمین اشتغال" ایفا می کند، مورد بررسی قرار می گیرد، اما باور به "تضمین اشتغال" طبعاً به معنای باور به میانی نظریه مذکور نیست. این فصل نشان می دهد که هزینه "تضمین اشتغال" احتمالاً بسیار بیشتر از آن چیزی است که طرفداران آن تصور می کنند. در ادامه استدلال می شود که طرفداران برنامه مدل ساده و حتی خامی از بازار کار را به کار می گیرند، و تصور می کند کارگران به سادگی و به طور طبیعی از پوشش "تضمین اشتغال" به در می آیند و به بخش خصوصی می پیوندند، زیرا این بخش دستمزد بیشتری پرداخت می کند. این رویکرد عمدتاً ویژگیهای غیر دستمزدی را، که بر انتخاب و ترجیح شغل تأثیر می گذارند، نادیده می گیرد.

فصل چهارم به بررسی موانع اداری و سیاسی پیشروی "تضمین اشتغال" می پردازد. ابتدا استدلال می شود که این برنامه با یک "چهارضلعی غیرممکن" روبرو است: ماتریسی از معیارهای مطلوب که نمی توان همزمان به آنها دست یافت. اساس استدلال این است که این امکان وجود ندارد که مشاغل تحت پوشش برنامه همزمان همه ویژگیهای زیر را داشته باشند: فقط به مهارت های اولیه نیاز باشد (زیرا برنامه باید بتواند عمومی باشد)؛ از نظر اجتماعی مفید باشد؛ نسبت به زمان بی تفاوت باشد (چون باید با نوسانات چرخه اقتصادی مقابله کند)؛ و منفک و متمایز از مشاغل بقیه بخشهای دولتی باشد. هر تلاشی برای دستیابی به یک معیار مستلزم کنار گذاشتن این یا آن معیار دیگر است. در ادامه این فصل استدلال می شود که تعهد به تضمین اشتغال شایسته به عنوان یک حق عمومی در دسترس و حسب تقاضا، ناگزیر با مخالفت سیاسی مواجه خواهد شد. به علاوه، هر یک از چهار رأس این چهارضلعی غیرممکن، به دلایل مختلف مخالفت این یا آن گروه را "برمی انگیزد" و جزئیات دقیق مدیریتی آن بر گروه های ذینفع مخالف آن تأثیر می گذارد. فصل 4 نتیجه می گیرد که، علیرغم سادگی مفهومی "تضمین اشتغال"، این برنامه تلاشی است برای "برداشتن دو هندوانه با یک دست"، به روشی غیرعملی و احتمالاً غیرممکن.

فصل پایانی نوشته، نتیجه گیری کلی، خلاصه ای از یافته های فصول قبلی است. به اختصار این که "تضمین اشتغال" دارای سه نقطه ضعف کلیدی است: 1- مدل آن از اثرات اش بر اقتصاد کلان مقدماتی و توسعه نیافته است؛ 2- مشکلات الزامی تولید تعداد زیادی مشاغل مفید اجتماعی را که بتوان به سرعت شروع و به سرعت متوقف کرد، نادیده می گیرد؛ و 3- مبین درکی جدی از واکنشهای سیاسی احتمالی نیست.

مطلب حاضر همچنین تلاش می کند جایگزینی عملی برای "تضمین اشتغال" به دست دهد که نقاط قوت آن را حفظ کند و توأمأً نقاط ضعف آن را کنار بگذارد. تضمین اشتغال پیشنهاد شده در فصل نتیجه گیری بسیار جاه طلبانه تر از "تضمین اشتغال" [مورد بررسی نوشته] است، اما هدف آن تضمین حق کار و مسئولیت اجتماعی برای تضمین اشتغال کافی برای همه کارگران،



و به حداکثر رساندن مزایای یک برنامه مشابه "تضمین اشتغال" بدون موانع اقتصادی، مدیریتی و سیاسی مذکور در نوشته است

در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در * داخل گیومه) در معنای خاص آن، که در ابتدای مقاله چنین تعریف شده است: به تصریح پاولینا دوتن از شناخته شده ترین – (Randall Wray) و راندال ورای (Pavlina Tcherneva) چرنوا مدافعان "تضمین اشتغال" – این برنامه به پاره ای جهات از دیگر برنامه های تضمین اشتغال متمایز است. از جمله این که

1. تضمین اشتغال "طرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می آورد؛ یک امکان همگانی برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی.
2. دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران تحتانی در بازار کار را استخدام می کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی دهد.
3. تضمین اشتغال "نوعی اشتغال کامل "سست" است، به این معنا که کارگران آزادند، " زمانی که چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی شود.
4. کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می دهند، اما نه کارهای مرسوم را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیتها را پیشنهاد می کنند که می تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیتهای جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت موظف است به بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

عقب نشینی قالیباف نتیجه گسترش مبارزات خیابانی بازنشستگان است

صادق



در ۲۹ تیر ماه سرانجام پس از مدتها امتناع رئیس مجلس فرمایشی حکومت از ابلاغ مغایرت تصمیم دولت در خصوص میزان افزایش حقوق بازنشستگی قالیباف بواسطه گسترش سراسری مبارزات خیابانی بازنشستگان و رادیکالیزه شدن روز افزون مبارزات آنان، مجبور شد حکم غیر قانونی بودن تصمیم دولت را ابلاغ کند.

قالیباف به این هم اکتفا نکرد و در نامه خود کاهش ۱۰۰ هزار تومانی حق مسکن کارگران را نیز مغایر با قانون دانست و خواستار اصلاح تصمیم دولت در این خصوص نیز شد.

دولت اما از موقع ابلاغ تا کنون هیچ عکس العمل علنی نسبت به نامه قالیباف نشان نداده و معلوم نیست می خواهد ابلاغیه مجلس را که بر تصمیم دولت ارجحیت دارد و دولت قانونا مکلف به رعایت آن است بپذیرد و یا با یک قانون شکنی دیگر از اجرای آن طفره برود. تردید نباید کرد که بدون گسترش بی سابقه مبارزات خیابانی بازنشستگان برای احقاق حقوق شان و افزوده شدن برخی مطالبات سیاسی همچون تقاضای کنار رفتن دولت و شعارهای تند که علیه دولت و مجلس و رئیسی و قالیباف در تعدادی از اعتراضات بازنشستگان داده شد، بعید می نمود که قالیباف دست به این اقدام بزند. در صورتی که تظاهرات و مبارزات خیابانی بازنشستگان با وسعت و کیفیت کنونی ادامه پیدا کند که محتمل به نظر می رسد، دولت نیز مجبور خواهد شد به رغم مخالفت شدید معاون اول دولت و رئیس سازمان برنامه و بودجه با افزایش حقوق های بازنشستگی از ۱۰ درصد به ۳۸ درصد موافقت کند و حکم مجلس را به اجرا بگذارد.



دولت در هفته های اخیر برای امتناع از پذیرفتن مطالبات بازنشستگان که به صورت همه روزه درآمده است تلاش کرد با تشدید اعمال خشونت آمیز علیه بازنشستگان و بازداشت ده ها تن از سازماندهندگان و فعالان آنان و بالا بردن هزینه مبارزه این عامل قدرت و فشار را از بازنشستگان بگیرد که موفق به آن نشد. تشدید خشونت نه تنها از دامنه اعتراضات نکاست بلکه به آن دامن زد و افکار عمومی را بیش از پیش به همراهی معنوی با بازنشستگان سوق داد.

رئیس مجلس که اندکی با تجربه تر از رئیس دولت ذوب در ولی فقیه است، این نکته را درک کرد و با ابلاغ مغایر بودن تصمیم دولت، سعی کرد با این کار از دولت ولایتمدار اندکی فاصله بگیرد. خاصیت اقدام قالیباف این خواهد بود که از زیر ضرب اعتراضات خود را علی الحساب خارج می کند و همه فشارها و شعارها به سوی دولت کانالیزه خواهد شد.

در این میان رهبران تشکلهای وابسته به حکومت که هیچ نقشی در سازماندهی اعتراضات بازنشستگان نداشته و ندارند و تربیون های دولتی متعددی نیز در اختیارشان قرار دارد با استفاده از این تربیونها تلاش می کنند نتایج مبارزات بازنشستگان را به نفع خودشان مصادره کنند و عقب نشینی رئیس مجلس از مواضع گذشته اش را نتیجه فعالیت خودشان جا بزنند و نقش تشکلهای مستقل بازنشستگان را در این کامیابی نیمه کاره انکار کنند. بهمین جهت پس از ارسال ابلاغیه مجلس جلسه و گرده هم آیی تشکیل می دهند و در صدد جا انداختن این فریب هستند. مقصود آنان تلاش برای قبولاندن این فریب به بازنشستگان است که دیگر نیازی به ادامه مبارزات خیابانی ندارند، همه چیز تمام شده است به خانه هایتان برگردید، ما هستیم و حقوق شما را پیگیری می کنیم! البته تلاشی عبث است زیرا که سالهاست حنای این جماعت رنگ باخته و کسی برای آن تره خورد نمی کند. باز نشستگان زیر و روی این جماعت دلال صفت و فریبکار و عامل حکومت را شناخته اند و از سوراخ آنان دوباره گزیده نخواهد شد و تا رسیدن به خواسته هایشان دست از مبارزه بر نخواهند داشت. چرا که حتا کاهش اعتراضات باعث خواهد شد دولت مصوبه خود را پس نگیرد. این واقعیتی است که طی سالهای گذشته صرفنظر از اینکه دولت در اختیار کدام جناح بوده است مکرراً اتفاق افتاده است.

عامل اساسی در رفتار حکومت با کارگران و مزدبگیران شاغل و بازنشسته نبود تشکل سراسری مستقلی است که بتواند با دولت و کارفرمایان نتایج اعتراضات را در قالب قراردادهای دسته جمعی تثبیت کند. تا وقتی که چنین تشکلی بوجود نیاید دولت و کارفرمایان بعد از فروکش کردن مبارزات می توانند هر آنچه را کارگران در اثر مبارزه به دست آورند از آنان پس بگیرند. بی جهت نیست که آنها حتا حاضر به انعقاد قراردادهای دسته جمعی با تشکلهای وابسته به خودشان هم نمی شوند و تا آنجا پیش می روند که به محض فروکش کردن اعتراضات زیر قانون و مصوبات خودشان می زنند. نمونه آن امتناع از پذیرفتن مصوبات شورای عالی کار است که نمایندگان خودشان هم به آن رای داده اند. هم از این رو است که تشکیل اتحادیه های کارگری مستقل و نیرومند برای زحمتکشان در اولویت قرار دارد. در طی ۴۳ سال گذشته حتا یک مورد قرارداد دسته جمعی با همین تشکلهای وابسته منعقد نشده است که همین یک مورد برای قلابی خواندن تشکلهای به اصطلاح رسمی و قانونی کفایت می کند.

از مبارزه کارگران، معلمان و سایر مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

دست مزد و حقوق کارگران و بازنشستگان باید به موقع و بدون تاخیر پرداخت شود!

قراردادهای موقت و پیمانی در کارهای مستمر باید لغو و امنیت شغلی کارگران باید با انعقاد قراردادهای مستقیم تضمین شود!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



موفقیت نسبی اعتصاب کارگران داربست بند

به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، اعتصاب دسته جمعی کارگران داربست بند در بیش از ۲۰ شرکت پتروشیمی و نفتی در اثر موافقت کارفرمایان با بخشی از مطالبات کارگران همچون افزایش دستمزد و مرخصی ماهانه پایان یافته است. عقب نشینی کارفرمایان در تعدادی از شرکتها بیشتر و در تعدادی کمتر بوده است. با این همه آنطور که در گزارش آمده دستمزدها از ۴ تا ۸ میلیون در شرکتهای مختلف افزایش داده شده و روزهای تعطیلی ماهانه نیز به همین سیاق بیشتر شده است. علت تفاوت نیز این است که کارگران فاقد تشکل برای توافق جمعی هستند. متأسفانه همین نقطه ضعف کارگران است و نداشتن تشکل موجب می شود که کارفرمایان بعد از مدتی زیر تعهدات خود بزنند. به هر حال چنین دست آوردی به رغم نداشتن تشکل حائز اهمیت است. قطعاً اگر این کارگران تشکل داشتند نتیجه به مراتب بهتری از اعتصاب شان می گرفتند. به امید اینکه در نتیجه این تجربیات امر سازمانیابی جدی تر گرفته شود.

ادامه مبارزات خیابانی بازنشستگان تامین اجتماعی

مبارزات بازنشستگان تامین اجتماعی در طی روزهای این هفته نیز با قوت در شهرهای مختلف از جمله در، شوش، شوشتر، اهواز، دزفول، اصفهان، کرمانشاه، خرم آباد... ادامه پیدا کرد. در این هفته نیز بازنشستگان خشمگین از رفتار دولت و مجلس علاوه بر تاکید روی افزایش ۲۸ درصد به حقوق بازنشستگان، علیه دولت و مجلس نیز شعار دادند و بر تداوم مبارزات خود تا رسیدن به نتیجه مطلوب تاکید دوباره کردند. در تعدادی از شهرها مأموران سرکوب به اجتماعات مسالمت آمیز بازنشستگان هجوم آوردند و پس از ضرب و شتم آنان تعداد زیادی از بازنشستگان شرکت کننده در تظاهرات را بازداشت و با خود بردند. در شهرهای اهواز، شوش و شوشتر اعتراضات همه روزه و بدون وقفه ادامه پیدا کرد. در نتیجه تداوم و



گسترش اعتراضات بازنشستگان گام دیگری در جهت رسیدن به خواسته هایشان به جلو برداشتند. قالیباف تحت فشار اعتراضات همه روزه و خروشان بازنشستگان که تا کنون با ارسال نامه به دولت برای اصلاح مصوبه ضد قانونی دولت تعلل می کرد، مجبور شد با ارسال نامه ای به دولت بخواهد مصوبه خود در خصوص افزایش حقوق بازنشستگان و همچنین کاهش ۱۰۰ هزار تومانی حق مسکن را اصلاح کند. یقین بدانیم که با تداوم و گسترش مبارزات خیابانی بازنشستگان خواهند توانست به سایر مطالبات بر حق خود برسند.

اعتصاب رانندگان شرکت فولاد خوزستان

رانندگان شرکت فولاد خوزستان پس از آنکه از طریق مراجعات مکرر به مدیریت شرکت فولاد نتوانستند مدیریت شرکت را راضی به افزایش حقوق خود کنند، دست به اعتصاب زدند.

بیکاری ۴۶ درصد از فارغ التحصیلان رشته دکترا

۴۶ درصد از دانش‌آموختگان دوره دکتری بیکارند. آمار بیکاری در میان کسانی که دوره های فوق لیسانس و کارشناسی و کارشناسی ارشد را گذرانیده اند نیز بسیا بالاست و عده‌ای از آنان مجبور می شوند تن به کارهایی بدهند که با رشته و تخصص شان همخوانی ندارد. وضعیت زنانی که دوره های دانشگاهی را گذرانده‌اند به مراتب بدتر است. بسیاری از زنان مجبورند با دستمزدهای اندک و شرایط کاری دشوار در کارگاه های غیر رسمی کارهایی را بپذیرند که نسبتی با رشته تحصیلی و تخصص شان ندارد.

اعتراض کارگران ماشین سازی اراک

کارگران ماشین سازی اراک که گفته می شود برای کار به پتروشیمی بوشهر فرستاده شده‌اند و تعداد شان ۱۵۰ نفر ذکر شده، در این هفته با تجمع در محوطه شرکت نسبت به بلاتکلیفی وضعیت شغلی خود و پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان اعتراض و خواهان پرداخت مطالبات و رفع مشکلات شان شدند. کارگران که از بابت پرداخت نشدن دستمزدهای پنج ماه گذشته خود خشمگین بودند در جریان اعتراض خود ژنراتور برق کارخانه پتروشیمی را خاموش کردند. پس از آنکه کارفرما قول پرداخت مطالبات کارگران را داد آنان به اعتراض خود پایان دادند، ولی کارفرما بجای پرداخت مزدهای پرداخت نشده حراست را به مضاف آنها فرستاد.

کارفرمای اصلی کارگران ماشین سازی شرکت سازه پادکار است.

اعتراض کارگران فولاد اهواز

تجمع مسالمت آمیز کارگران شرکت گروه ملی فولاد در ۲۹ تیر با برخورد حراست روبه رو شد. کارگری که در اعتراض به اجرا نشدن مصوبه شورای تامین تجمع کرده بودند با برخورد تهدید آمیز حراست مواجه شدند. حراست در یک اقدام تحریک آمیز کارت های ورودی کارگران به شرکت را ضبط کرد و از دسترس خارج کرد. بعد از این برخورد کارگران مانده‌اند که قدرت و اختیار حراست بیشتر است یا شورای تامین شهر که استاندار در راس آن قرار دارد. حدس دیگری که هست معتقد است مصوبه شورای تامین برای فریب و سر دواندن کارگران بوده است و بهمین دلیل است که شورای تامین به حراست برای برخورد با کارگران چراغ سبز داده است. این اولین بار نیست که شورای تامین یک استان زیر تعهداتی که به



کارگران برای پایان دادن به اعتصاب داده می زند. امری است بسیار رایج. بهمین خاطر باید تجربه ای بشود که کارگران اعتصاب شان را نیمه کاره با این جور وعده ها پایان ندهند.

ادامه بازداشت و محاکمه فعالین سندیکایی

در این هفته پیگرد و محاکمه فعالان سندیکایی و فشار به ده ها تن از آنان که در زندان هستند ادامه یافت. نیروهای امنیتی توطئه گر که موفق به وادار کردن فعالین به اعترافات اجباری به اتهام های ساختگی برای فعالان نشده اند، به رغم ادامه اعتراضات داخلی و بین المللی به اعمال سرکوبگرانه شان علیه فعالان سندیکایی همچنان با در زندان نگاه داشتن و تشدید فشار به آنان در حال انتقامجویی از زندانیان بی گناه هستند. خانواده های اکثر زندانیان از ملاقات با عزیزان شان محروم هستند. از سوی دیگر در حالی که تعداد معدودی از معلمان زندانی را با سپردن وثیقه های سنگین آزاد کرده اند، تعداد دیگری را محاکمه و به زندان می فرستند. در این هفته محمد علی زحمتکش یکی از معلمان و چند معلم دیگر آزاد شدند، اما در عوض در استان قزوین سه معلم به نام های، اسماعیل فرهنگ، علی اله بخشی و مریم زیرک را که از فعالان صنفی هستند برای محاکمه به دادگاه احضار کردند.

فشار به فعالان سندیکایی زندانی و به رضا شهابی، حسن سعیدی و واله زمانی نیز کماکان به رغم وضعیت جسمی خطرناک هر سه تن در اثر اعتصاب غذا و بیماری برای اعتراف گیری اجباری ادامه دارد و شهابی و سعیدی که دیگر در اثر اعتصاب غذای طولانی رمقی در تن ندارند تا کنون تن به خواست شکنجه گران و ماموران گمنام امام

زمان نداده اند، فشار به دیگر معلمان زندانی نیز تا کنون بی نتیجه مانده است.

در این هفته اتحادیه های کارگری آلمان زندانی کردن و فشار به فعالان سندیکایی و خانواده های آنان را محکوم و همبستگی خود با آنان را اعلام و خواهان آزادی همه فعالان سندیکایی شدند.

تداوم سرکوب کارگران معدن مس سونگون ورزقان

بنا به گزارش اتحادیه آزاد کارگران مس سونگون ورزقان بعد از سرکوب وحشیانه اعتصاب آنان همچنان با بازداشت عده دیگری از کارگران و اخراج شمار دیگری ادامه دارد. مدیریت از ورود ۳۰ کارگر سابقه دار شرکت جلوگیری نموده و ماموران امنیتی در روزهای ۲۵ و ۲۶ تیر ماه ۱۵ نفر از کارگران را بازداشت نموده و آنان را در اهر زندانی نموده اند.

اعتراض به بدی کیفیت غذا و بیمه تکمیلی در خارک و عسلویه

کارگران پایانه نفتی خارک و عسلویه دوباره و در اعتراض به کیفیت بد غذا و بیمه تکمیلی اعتراض نمودند. در مورد بیمه تکمیلی اعتراض به آن جهت است که شرکت نفت از پرداخت ۸۰ درصد بیمه تکمیلی که قرار بوده پرداخت کند طفره می رود. گویا شرکت قصد دارد با این کار و دادن غذای بی کیفیت به کارگران مبلغی را که بعنوان افزایش دستمزد به آنان داده جبران کند.

پیروز باد مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق و بیمه کارآمد!

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمت ها مبارزه کنیم



جان شهابی و سعیدی در خطر است



امروز اول مردادچهل و یکمین و سی
دومین روز اعتصاب غذای دوفعال
سندیکایی شرکت واحد رضا شهابی و
حسن سعیدی است

پایان اعتصاب رضا شهابی بنا بر درخواست خانواده و تشکلهای کارگری داخلی و خارجی
بعد از ۴۲ روز اعتصاب در دوم مرداد.

ادامه اعتصاب غذای حسن سعیدی عضو دیگر سندیکای واحد پس از ۳۱ روز اعتصاب غذا



امروز دوشنبه سوم مرداد #سمانه_عابدینی همسر #جعفر_ابراهیمی با پیگیری های مستمر طی این مدت، موفق شد که در حیاط زندان اوین با همسرش ملاقات کند. روحیه و وضعیت جسمی و روحی این فعال صنفی معلمان بسیار عالی توصیف شده است. جعفر ابراهیمی در این ملاقات گفته که سه چهار روزی هست که از انفرادی به اتاق های چند نفره زندان اوین منتقل شده است.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران امیدوار است در روزهای آینده #جعفر_ابراهیمی به همراه دیگر فعالان صنفی دستگیر شده در دهم اردیبهشت آقایان #محمد_حبیبی #رسول_بدایق #اسکندر_لطفی #شعبان_محمدی و #مسعود_نیکخواه آزاد شوند و ضمن رفع نگرانی های خانواده این معلمان زندانی، شور و سرور و امید به جامعه کنشگران مطالبه گر برگردد





دیدار جمعی از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه) با خانواده‌های معلمان بازداشتی دیواندره و اعلام حمایت از ایشان- چهارشنبه 29 تیرماه 1401

همه با هم برای آزادی معلمان، کارگران و سایر زندانیان سیاسی و مدنی مبارزه کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>